

مقاله پژوهشی

رویکرد منظر در تحقق گردشگری فرهنگ با عاملیت پدیده فرهنگی راه*

سعید غلامپور^۱، سید امیر منصوری^{۲*}، آزاده شاهچراغی^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

چکیده | گردشگری نتیجه تمایل به شناخت فرهنگ‌های متفاوت از فرهنگ گردشگر است. فرهنگ یک عکس‌العمل عمومی به زندگی و گردشگری در ارتباط مستقیم با مسائل انسانی است. در این بین، راه نیز در برداشتی سطحی‌تر تنها نقش ارتباطی میان مبدأ و مقصد سفر گردشگر را ایفا می‌کند. اگرچه راه‌ها زمانی پیوند عمیقی با زندگی انسان برقرار می‌نمایند؛ خود می‌توانند به‌عنوان مقصد مسافران انتخاب شوند. راه‌ها مساحت قابل توجهی از سطح کشورها را به خود اختصاص می‌دهند؛ بدین ترتیب ضروریست تا در جهت فهم و ارتقاء کیفیت آن‌ها گام‌های مؤثرتری برداشت. هرچند مطالعات انجام شده در دوران مدرن، حاکی از آن است که با سرعت گرفتن جریان زندگی، سرعت حرکت و به تبع آن ایمنی مسیر در اولویت اول برنامه‌ریزان، طراحان و مهندسان راه قرار گرفته است. این نوع نگاه کالبدی به مقوله راه از مشخصه‌های اصلی علوم مهندسی است. گذشته از اقدامات انجام گرفته توسط علوم مهندسی در جهت تسهیل و تسریع هرچه بیشتر، هدف از مطالعه راه می‌تواند فراتر رود. دانش منظر به کمک فنون مهندسی آمده و با نگاهی کل‌نگر به مفهوم پدیده راه و توجه هم‌زمان به تمام ابعاد ملموس و ناملموس راه، گام‌های مؤثری در جهت ارتقاء کیفیت آن با هدف تحقق گردشگری فرهنگی برداشته است. این پژوهش از نوع کیفی و بر پایه تحلیل محتوای کیفی بوده و سعی دارد تا با بررسی اسناد کتابخانه‌ای، مرور نظریات پیشین اهل فن، همچنین مشاهده و تحلیل شرایط، ضمن تأکید بر ضرورت کیفیت راه‌ها، به بررسی تأثیر و نقش بسزای رویکرد منظر در سطوح مختلف مطالعاتی پدیده راه بپردازد.

واژگان کلیدی | منظر، منظرراه، گردشگری فرهنگ، فرهنگ‌راه.

مقدمه | مفاهیم گردش و گردشگری در ارتباط نزدیک با سفر و هم‌ردیف با جابه‌جایی و نقل مکان است. جابه‌جایی در ابتدا با هدف کشف، سیاحت و فهم عینی مقصد و مسیر

سفر پیش رو آغاز شده و می‌تواند منجر به فهم عمیق سفر شود. فهم سفر از سویی ریشه در ذهن مسافر و از سوی دیگر متأثر از راه است. در بیان فهم مسافر می‌توان به قطعه‌ای از «حسین پناهی» اشاره داشت: در انتهای هر سفر/ در آینه / دار و ندار خویش را مرور می‌کنم/ این خاک تیره این زمین/ پاپوش پای خسته‌ام/ این سقف کوتاه آسمان/ سرپوش چشم بسته‌ام (رحیمی، ۱۳۹۲). نگاه به راه نیز متأثر از تغییر نیاز جامعه بشری است. روزی ارتباط انسان با راه در تجربه مفاهیمی همچون زیارت، تفریح و تفرج و اکتشاف بود. روزی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «معماری» با عنوان «مدل مفهومی معماری منظر راه در ایران با تأکید بر ادراک مسافران» است که به راهنمایی دکتر «سید امیر منصوری» و مشاوره دکتر «آزاده شاهچراغی» در دانشکده «عمران، معماری و هنر» دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران» در حال انجام است.

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۳۴۲۹۸۶ amansoor@ut.ac.ir

تحقق این امر مستلزم شناخت و تأکید بر تمام جوانب راه بوده و فرضیه مشخص این تحقیق است. همچنین این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که دانش منظر چگونه می‌تواند به کمک علوم مهندسی آمده و ضمن افزایش کیفیت راه‌ها و صیانت از گنجینه منظر سرزمینی، راه را به فضایی زیست‌پذیر تبدیل نماید؟

پیشینه تحقیق

افراط در توسعه شبکه زیرساخت راه‌های منطبق با رویکردهای مهندسی و اهمیت حفظ گنجینه منظر سرزمینی، به‌ویژه طی سال‌های اخیر گروه‌های دغدغه‌مند زیادی را بر آن داشته تا به فکر افتاده و در این مهم گام‌های مؤثری بردارند. این مسئله دلیل برگزاری نشست‌های علمی متعدد، تدوین ضوابط و چاپ نشریات علمی بوده است. البته مطالعه اسناد و خروجی آن‌ها نشان از آن دارد که برخی مسیری درست‌تر را انتخاب نموده و برخی دیگر نیز به بیراهه رفته‌اند. از جمله مستندات علمی معتبر موجود که طی سالیان اخیر به‌طور ویژه به بیان و بررسی مسئله منظر راه پرداخته است؛ می‌توان به نشریه علمی منظر شماره ۳۶ اشاره داشت. در این تحقیق سعی شده تا ضمن بررسی دقیق مبانی و رویکردهای مطرح‌شده در مقالات این ویژه‌نامه، موضع مشخص این تحقیق بیان شود. «منصوری» با نفی تمرکز بر کوتاهی مسیر، راه را به مثابه منظر و مقصد سفر دانسته و بر ضرورت توجه به خاطرات ذهنی مسافران تأکید دارد (منصوری، ۱۳۹۵، ۳). «قوام‌پور» سعی در شناسایی جایگاه منظر در سطوح برنامه‌ریزی و طراحی راه دارد و ضمن نفی تمرکز بر علوم مهندسی راه، عدم توجه به طبیعت حاشیه مسیر و عرصه‌های سکونت پیرامون راه را از چالش‌های موجود بر سر طراحی راه معرفی می‌نماید (قوام‌پور، ۱۳۹۵، ۳۶). «لسان» در جایی حضور پررنگ راه‌ها را دلیل تخریب زیست‌گاه‌های طبیعی و تهدیدی برای حیات وحش می‌داند (لسان، ۱۳۹۵، ۴۲). «رحمدل» با اشاره به سیر تاریخی شکل‌گیری منظر راه به بیان کتاب راه و رباط، از ساختارهای جانبی شکل‌گرفته در ارتباط با راه به‌عنوان منظر راه یاد می‌کند (رحمدل، ۱۳۹۵، ۵۲). همچنین «طالبیان» نیز راه را مکان زیستن می‌داند و ضمن تأکید بر رابطه تعاملی انسان با مسیر، تعابیر عناصر میراث ملموس و عناصر میراث ناملموس راه را معرفی و به‌کار برده است (طالبیان، ۱۳۹۵، ۷۲). به‌طور مشخص از مقالات بررسی شده، این مفاهیم قابل برداشت است که آسیب‌های متعددی در سطوح خرد و کلان به علوم مدرن راه وارد شده و تداوم مطالعه عمیق‌تر آن ضروری به نظر می‌رسد. ایده راه مدرن دارای اشکال بوده و راه نمی‌تواند تنها مسیر و اصل مبدأ و مقصد باشد. در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و طراحی راه، کمترین میزان توجه به بستر

دیگر با پیشرفت تکنولوژی و تمایل به حرکت سریع، نیازمند افزایش سرعت و ایمنی خودروها می‌شود. این مسئله نیز دلیل نزول ارزش‌های زیبایی‌شناختی در مفهوم محدودی از راه‌های مواصلاتی است. راه‌های مواصلاتی تبدیل به مسیرهای تندروی برون‌شهری می‌شوند. محققین معتقدند که در دوران مدرن همه ارکان زیبایی‌شناسی راه تحت تأثیر افزایش سرعت در ترابری قرار گرفته و به این ترتیب تمام ملاحظات مناسب با صورت‌های کندتر تردد در این مسیرها به تدریج رنگ باختند (رضوی و مفرد، ۱۳۹۶). با افزایش سرعت حرکت در راه و نیاز به تأمین ایمنی و خدمات ضروری مسافران با تکیه بر دانش مهندسی، گسترش روزافزون شبکه‌های حمل و نقل محقق شد. البته هم‌زمان با توسعه شبکه راه‌های ارتباطی به‌ویژه در دوران اخیر، تا حدودی نیز به ابعاد زیبایی‌شناسی متأثر از نیاز انسان امروز پرداخته شد، اما نوع نگاه متأخر به راه، متمرکز بر افزایش ایمنی و توسعه خدمات بوده و توجه به ابعاد زیبایی‌شناسی راه کافی نیست. تصمیم‌گیری در حوزه راه امروز مستلزم توجه ویژه به ابعاد اجتماعی در راه است. راه به مانند سایر فضاهای زیستی بشر همچون شهر و خانه، با ثبت خاطرات جمعی اهمیت می‌یابد. بی‌شک تزریق صرف کارکردهای خدماتی هرچند ضروری و ارتقای ایمنی، راه را به فضای مطلوب فرهنگی تبدیل نمی‌کند. مطابق آمار منتشر شده از سوی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای وزارت راه و شهرسازی، میزان کل نفر-کیلومتر مسافر جابه‌جا شده در کشور طی یک سال در حدود شصت میلیارد است. این آمار حجم بالایی از سفرهای جاده‌ای را نشان داده و بر میزان حضور انسان در راه‌ها تأکید می‌کند. همچنین با یک محاسبه ساده و تنها با احتساب حاصل‌ضرب طول راه‌های اصلی، فرعی و روستایی موجود کشور در عرض حریم قانونی راه‌ها مطابق با قوانین حاکمیتی وزارت راه و شهرسازی، مساحت تقریبی در حدود چهل هزار کیلومتر مربع به‌عنوان مساحت پهنه مستقیم در اختیار راه‌های کشور بوده و قابل توجه است که این میزان در حدود دو برابر مساحت مسکونی است. بنابراین اهمیت مطالعه و برنامه‌ریزی برای این سطح قابل توجه از بستر زندگی و حضور انسان بیش از پیش ضرورت می‌یابد. اغلب مسیر یک هدف از خود هدف مهمتر است و بدین سبب است که سازماندهی نحوه ساخت راه اهمیتی فوق‌العاده می‌یابد (گروتز، ۱۳۸۸، ۴۲۲). گسترش روزافزون شبکه راه‌ها به‌ویژه با دغدغه تکنولوژی و تسریع حرکت، علاوه بر این که منظر سرزمینی را به نابودی می‌کشاند، فرصتی برای تجربه زیست مسافر نیز به‌جا نخواهد گذاشت. منظر با رویکردی کل‌نگر به پدیده‌ها، ضمن تأکید بر اهمیت نقش راه در زندگی جوامع انسانی امروز، می‌تواند موجب ارتقای کیفیت راه‌ها و رونق گردشگری با تکیه بر فرهنگ جوامع شود. هرچند

مکاشفه لایه‌های معنایی در سطح فردی و اجتماع مسافران می‌تواند لذت تجربه سفر را افزایش داده و جای‌جای مسیر ارتباطی میان مبدأ و مقصد را به مقصد سفر تبدیل کند. کمالینکه توجه به لایه‌های معنایی راه، زیبایی و لذت سفر، فارغ از فاصله کمی راه، منجر به بهبود کیفیت مسیر، لذت بیشتر، تجربه سفر و در نهایت تمرکز حواس، افزایش ایمنی و کاهش فاصله ذهنی میان مبدأ و مقصد می‌شود.

مفهوم راه متفاوت از مسیر است. مسیر اشاره به صورت فیزیکی و ظاهری مفهوم ارتباط داشته و در نقش اتصال میان مبدأ و مقصد است. از این‌رو مسیر با توجه به ویژگی‌های کالبدی بستر، شمایل متفاوتی پیدا می‌کند. مسیر گاه مستقیم و گاه مارپیچ؛ گاه تخت و گاه دارای شیب است. غالب مطالعات حوزه راه که بیشتر مبتنی بر ایمنی، عملکرد و سرعت است، مستقیماً مسیر را موضوع مطالعه قرار داده و کمتر به ارزیابی دقیق پدیده راه پرداخته‌اند. شناخت راه مستلزم نگاهی کل‌نگر و پدیدارشناسانه به این پدیده است. در نقطه مقابل مسیر، راه حاوی معنا و عامل ذهنی مفهوم ارتباط است. اگرچه تعبیر راه، خود حاوی معانی عمیقی در خاطره ذهنی مردم است. در این بین می‌توان به غزل شاهد گمراه از «استاد شهربار» اشاره کرد: «راه گم کرده و با رویی چو ماه آمده‌ای/ مگر ای شاهد گمراه به راه آمده‌ای» (بهجت تبریزی، ۱۳۹۴). تضاد راه و گمراه اشاره به شناخت دارد؛ شناختی که نتیجه فهم عمیق از مسیر باشد. این فهم نیز حضور مخاطب را طلب می‌کند. دریافت سه‌بعدی یک فضا از طریق حضور در فضا و ایجاد رابطه همه سویه بدن با محیط حاصل می‌شود. «بدن من حقیقتاً مرکز جهان ادراکی من است. ادراک بدن و تصویر جهان تبدیل به یک تجربه وجودی پیوسته می‌شوند.» (پالاسما، ۱۳۸۸، ۱۲). گردشگری مبتنی بر فرهنگ نیز، یک مفهوم و فرایندی ذهنی است. از یک تمایل ذهنی در مسافر آغاز شده و به دریافت ذهنی منتج از حضور انسان در فضا می‌انجامد. انسان در ابتدای امر به واسطه بدن خود با مسیر و مقصد مواجه می‌شود و از طریق بدن خود ابعاد مختلف فضا را می‌سنجد. پس از آن براساس حالات حسی و عاطفی خود از راه تغییر دمای پوست به خوبی می‌تواند پیام‌هایی دریافت یا ارسال کند. گرمای بدن یک پدیده بسیار شخصی بوده و در اذهان انسان مانند تجربیات دوران کودکی با مفهوم صمیمیت و رابطه پیوند نزدیک خورده است (هال؛ پالاسما و پرزگومز، ۱۳۹۵). این تغییر دما، ویژگی کاملاً شخصی و درونی فضا را پدیدار می‌سازد. انتقال گرمای محیط به بدن تنها از طریق لمس یا حضور در فضا میسر می‌شود (شاهچراغی و بندآباد، ۱۳۹۴، ۴۸۶).

در تحلیل سایر عوامل شکل‌دهنده سفر و در ارتباط با مسیر می‌توان به وسیله سفر اشاره کرد. در دنیای رقابت فن‌آوری

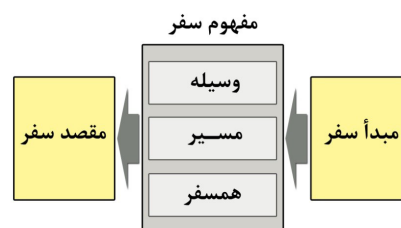
شده و همین امر دلیل تخریب منظر سرزمینی است. از سویی زمانی که مسیر راه در تعامل با محیط پیرامون موضوع مطالعه قرار می‌گیرد، تنها ابعاد عینی و گاه کالبدی مدنظر بوده است. این تحقیق نیز در ادامه این مطالعات انجام‌شده و جنبه بداعت آن در توجه جامع‌نگرتر به موضوع منظر راه است. همچنین ضمن ارائه مدلی مفهومی به شناسایی و تأکید بر زمینه‌های فرهنگی راه در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی، و به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای و میدانی و استراتژی پژوهش نیز از نوع پدیدارشناسی است. چیزی که امروزه بیش از هرچیز دیگر مورد نیاز است، آگاهی و فهم بهتر از جهان است. فهم در معنای اصیل آن، این طریق از آگاهی و فهم را می‌توان فهم پدیدارشناختی نامید. حواس دیداری، بساواپی، بویایی و شنیداری اجزای اندام‌های غریزی درک و دریافت محیط و منظر هستند. مطالعه پدیده راه مستلزم نگاهی کل‌نگر و فارغ از توجه به جزئیات است و می‌بایست توجهی دوباره به کیفیات حسی تمامی عناصر تشکیل‌دهنده آن داشت. پدیدارشناسی مدعی نیازمندی به درک و دریافت معنا به یک بُعد متافیزیکی است. این بُعد «حضور هستی و حضور امر نامرئی را در دوران جهان روزانه آشکار می‌سازد». هدف از پژوهش پدیدارشناسی، توصیف صریح و شناسایی پدیده‌ها است. آن‌گونه که در موقعیتی خاص از سوی افراد ادراک می‌شوند. در واقع پدیدارشناسی به توصیف معانی یک مفهوم یا پدیده از دیدگاه عده‌ای از مردم و برحسب تجارب زیسته آنان در آن مورد می‌پردازد.

تبیین مدل مفهومی راه با تکیه بر دانش منظر

به‌منظور شناخت هرچه دقیق‌تر پدیده راه به‌عنوان عامل مهم گردشگری، نیاز است تا در گام اول به ارائه الگوی سفر در معنای عام و شناسایی ابعاد آن پرداخت. در گردشگری زمینی که یکی از متداول‌ترین شکل‌های سفر است، مفهوم سفر متشکل از عواملی چون: مقصد سفر، مسیر، وسیله سفر و همسفر است (تصویر ۱). نقش این عوامل در تعریف سفر بسیار مهم است. مسافر با هدف شناخت فرهنگ مقصد که متفاوت از فرهنگ خویش است، قصد سفر می‌کند. فرهنگ یک عکس‌العمل عمومی به زندگی و گردشگری در ارتباط مستقیم با مسائل انسانی است. در این میان اگرچه مسافر با هدف تجربه فرهنگ مقصد، قصد سفر کرده اما تنها در برداشت سطحی‌تر از سفر، مقصد نهایی می‌تواند غایت سفر باشد. چرا که راه، خود نیز بی‌شک می‌تواند بخشی از مقصد سفر باشد. قطعاً ادراک مسافر و ابعاد معنایی راه نقش به‌سزایی در هویت راه خواهد داشت.



تصویر ۱. ارائه الگویی عینی از عوامل شکل‌دهنده مفهوم سفر. مأخذ: نگارندگان..

منظر علاوه بر تمرکز به زمینه‌های زیستی و فرهنگی راه و رویکردی کل‌نگر به راه سعی دارد تا همه‌جوانب و مؤلفه‌های مؤثر در راه را مدنظر قرار دهد. منظر کل‌نگر ابعاد گوناگونی از وجود انسان را در نظر دارد: ذهن، چشم، تخیل، بدن و دست (عمل) (سوافیلد به نقل از پوردیهیمی، سیدکلال، ۱۳۹۱، ۲۴). منظر با تعهد به بستر و ویژگی‌های طبیعی آن، انسان و ارتباط او با محیط را موضوع مطالعه خود قرار داده و به دنبال برقراری ارتباطی بهینه میان مسافر و زمینه است.

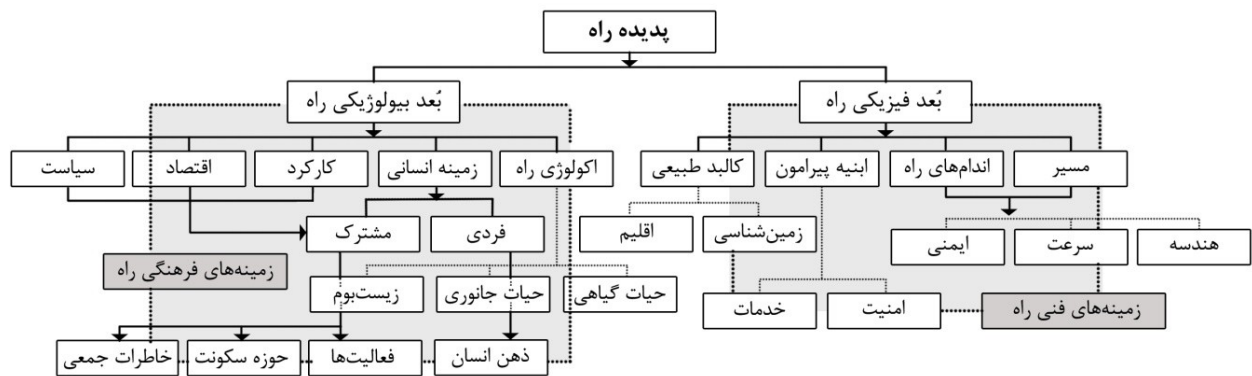
زمینه‌های انسانی راه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان بُعد بیولوژیکی راه مطرح است. این جزء متافیزیکی راه، بر رابطه انسان با محیط تأکید دارد. ارتباط انسان با محیط در سطوح پایه براساس حواس و موضوع علوم با رویکرد جزء‌نگر است. اما این ارتباط در سطوح متعالی خود حاوی معناست. معنایی که منجر به شناخت بهتر مسیر می‌شود. رویکرد منظر به راه، بر ضرورت توجه به ابعاد معنایی و ادراکی مسافر حین تجربه مسیر اشاره داشته و ادراک فضا تنها زمانی ممکن است که انسان حرکت کند و هر حرکتی احتیاج به یک راه دارد. راه‌ها به بیننده امکان می‌دهند که قدم به قدم محیط را شناسایی و با خصوصیات آن آشنا شود. (گروتز، ۱۳۸۸، ۴۳۶). وقتی فرد در محیط حرکت می‌کند، مناظر یکی پس از دیگری دیده می‌شوند، در مسیر تفسیر دنیای بیرون، ذهنیت ناظر نقش اصلی را دارد که برگرفته از منابع گوناگون الهام مانند تاریخ، رویدادها، تأملات، ویژگی‌های روانی و خاطره‌ها به خوانش فضا به مثابه یک متن می‌پردازد و پس از آن، در فضایی که می‌فهمد زندگی می‌کند (منصوری، ۱۳۹۹، ۵). از طرفی شکل یک جاده نیز می‌تواند پیامی را منتقل کند. البته رویکرد منظر در برخورد با پدیده راه و درک مسیر، مواجهه مستقیم با راه است؛ یعنی خود مکانها، صداها، بوها، رنگ‌ها، بافت‌ها، دیدها، ارتباطات و توالی‌های فضایی، حس کردن آفتاب و باد (اسپین، ۱۳۸۴، ۳۹۵). زیبایی‌شناختی ادراکی نیز تصورات ذهنی مسافران در مورد ارزش و اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها است (Philips, Wolfe, Hodur & Leistriz, 2013). از این زاویه، ارزیابی زیبایی مناظر گردشگری بر پایه ذهنیت مسافران استوار است. ادراک زیبایی یک منظر اعم از زیبایی طبیعی یا زیبایی انسانی به ذهن فرد و عوامل وابسته به فرد نسبت داده می‌شود. ذهنیت افراد نیز ریشه در فرهنگ و ذهنیت جمعی دارد. روان‌شناسی بوم‌شناختی، به جای مطالعه روان فرد، رفتارهای انسان را با تمام تعلقات محیطی و پیشینه ذهنی و فرهنگی مطالعه می‌کند (لنگ، ۱۳۹۰، ۱۱). آسیب علوم مهندسی متأثر از تصمیم‌سازی‌های دوران اخیر، برخورد ظاهری و عدم توجه صحیح به فرهنگ و ذهن جمعی است. به همین دلیل است که هایدگر می‌گوید: واقعه بنیادین دوران مدرن، تزییل عالم هستی به جوهر تصویر است. سکونت‌گاه‌هایی که

امروز، خودروهایی بیشتر شانس انتخاب‌شدن دارند که کمترین تکان سرنشین را در جریان حرکت داشته باشند و این به معنای کمترین تماس با سطح جاده و آگاهی از کیفیت فیزیکی زمین است، در حالی که آنچه رانندگی در دامن طبیعت و جاده‌های ناهموار را لذت‌بخش می‌کند، احساس تماس با جاده و دریافت کیفیات طبیعی زمین از طریق آن است. احساسی که رانندگی در مسیرهای باریک و پرپیچ‌وخم ارگانیک را به تجربه‌ای هرچند دشوار اما دلپذیر بدل می‌کند (استادی، ۱۳۹۳).

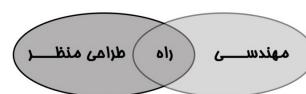
در مدل مفهومی ارائه‌شده سعی شده تا بتوان به صورت اجمالی به دسته‌بندی مؤلفه‌های مطرح در پدیده راه پرداخت. همان‌طور که مشخص است، فارغ از ابعاد فیزیکی (عناصر ملموس) و مشخصه‌های کالبدی موضوع بحث پیرامون مسیر راه، مؤلفه‌های دیگری به‌عنوان ابعاد بیولوژیکی راه (عناصر عموماً ناملموس) مطرح هستند (تصویر ۲). مطالعه و شناخت عمیق‌تر پدیده راه مستلزم نگاه کل‌نگر به تمامی ابعاد وجودی پدیده راه است. دانش منظر راه نیز زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که این عناصر ملموس (بعد فیزیکی) و ناملموس (بعد بیولوژیکی) در کنار هم و با هم دیده شوند.

واکاو پدیده راه با رویکرد منظر و تأکید بر مؤلفه‌های مؤثر آن

در مدل ارائه‌شده از مؤلفه‌های مؤثر پدیده راه، به دو بُعد اصلی راه اشاره شده است؛ بُعد فیزیکی و عیان راه و بُعد بیولوژیکی و نهان راه. اجزای اصلی بُعد فیزیکی راه همگی کالبدی و ملموس هستند. همین امر دلیل توجه بیشتر علوم جزء‌نگر فنی و مهندسی به اجزاء کالبدی بُعد فیزیکی راه است (تصویر ۳). مطالعه عمیق‌تر در مفهوم پدیده راه، نیازمند نگاهی کل‌نگر به آن است (تصویر ۴). راه به عنوان پدیده‌ای فرهنگی مطرح بوده و هنوع برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در سطوح خرد تا کلان مستلزم توجه همزمان به ابعاد فیزیکی و بیولوژیکی آن است. درست در نقطه مقابل رویکرد جزء‌نگر علوم فنی و مهندسی در مواجهه با پدیده راه برای حصول اهدافی چون سرعت و ایمنی بیشتر، بر بُعد کالبدی راه و هندسه مسیر تمرکز دارند. رویکرد



تصویر ۲. مدل مفهومی مؤلفه‌های مؤثر در تعریف پدیده راه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. راه در بهینه‌ترین حالت؛ تلاقی علوم فنی و علم منظر راه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. منظر با رویکرد کل‌نگر در مواجهه با پدیده راه، به ابعاد گوناگون ارتباط انسان با محیط توجه دارد. مأخذ: نگارندگان.

افزایش میزان مداخلات در طبیعت هستیم. در باب اثرات طرح‌های راهسازی بر زیست‌بوم، راه‌ها به مسائلی همچون کمبود کاراکتر یا هویت، بیش از اندازه خاکستری بودن در طراحی، بیش از حد عملکردی و یکنواخت بودن دچار هستند و عموماً به‌عنوان عناصر «انسان‌ساخت» دارای تأثیر منفی بر محیط پذیرفته شده‌اند. زیرساخت‌های حمل‌ونقل جهت اتصال سکونت‌گاه‌های انسانی ضروری هستند؛ اما غالباً منجر به تفرق در زیست‌گاه‌های طبیعی و زندگی حیات‌وحش می‌شوند. امروزه روند رو به افزایش این تأثیر منفی ناشی از احداث راه بر روی حیات‌وحش مشهود است. این تأثیرات منفی از پیامدهای رویکرد تک‌بُعدی علوم فنی و مهندسی به پدیده راه است. طبیعت، متعلق به تمام ساکنانش اعم از انسان، حیوان، گیاه و ... است و انسان نه مالک بلکه تنها جزئی از طبیعت است. راهی با ارزش است که ضمن هدف قراردادن ارزش‌های انسانی و طبیعی، موجبات لذت مسافر حین تجربه مسیر را فراهم کرده و در ذهن مسافر نفوذ کند. «پیتر زومتور» در کتاب «رهیافت پدیدارشناسی»، یک چشم‌انداز طبیعی بکر مثل دامنه کوه را به خودی خود زیبا می‌داند. از نظر او حتی زمانی که مناظر طبیعی، خشن، ناهموار، دوردست یا بی‌آب و علف باشند یا زمانی که حتی او را می‌ترسانند هرگز برایش زشت نیستند. از نظر او مناظر فرهنگی، ما را احاطه کرده‌اند. و وقتی مناظر فرهنگی قدیمی را پیش چشم مجسم می‌کند یکپارچگی زیبایی از کار انسان و طبیعت را می‌بیند (زومتور، ۱۳۹۴، ۷۶). منظر با رویکردی پدیدارشناسانه، آگاهانه پیام‌های ارسال شده از سوی محیط را دریافت و بر اصالت وجودی عوامل محیطی تأکید می‌کند.

اگرچه از نظر بُعد فیزیکی، جنبه کارکردی راه هدفی جزء ارائه خدمات ضروری مسافران و افزایش امنیت ندارند؛ اما به عنوان یکی از ارکان بُعد بیولوژیکی؛ راه در هر سطح کارکردی، یکی از همین مصادیق منظر فرهنگی است. راه کریدور زندگی و یک فضای زیسته است. فضای زیسته‌ای که در آن همه تجربیات، تصاویر و خاطرات و یادآوری‌ها در هم می‌آمیزند. فضای زیسته

انسان‌ها می‌سازند چیزی بیش از مصنوعات صرفاً فیزیکی قابل اندازه‌گیری و نظم‌دهی عینی هستند (پرتوی، ۱۳۹۴، ۶۷). به گفته برنتانو پدیده‌های فیزیکی، «ادراک بیرونی» ما را درگیر می‌کنند، در حالی که پدیده‌های ذهنی، «ادراک درونی» ما را به خود مشغول می‌دارند (هال، پالاسما و پرزگومز، ۱۳۹۵، ۴۰). ادراک، متأثر از فرهنگ و در ارتباط با روح مکان است. حرکت به انسان فرصت تحلیل و مرور در ذهن می‌دهد. «بدن من حقیقتاً مرکز جهان ادراکی من می‌باشد، نه از نقطه نظر بینایی مرکزی، بلکه به عنوان مکان واقعی مراجع، تصورات، خاطرات و کلیت ما» (پالاسما، ۱۳۸۸، ۲۱). مرلوپونتی می‌گوید: «ادراک من مجموعه‌ای از داده‌های بصری، بساواپی و شنوایی نیست، من در مجموعه با تمام هستی خودم را درک می‌کنم» (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴، ۱۷۱).

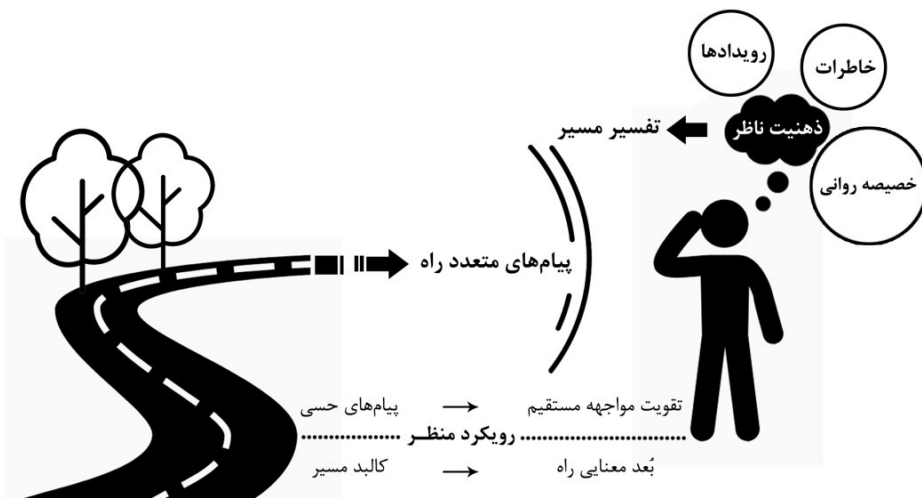
از دیگر جنبه‌های بُعد بیولوژیکی راه، اکولوژی راه است. توجه به حیات گیاهی، حیات جانوری و زیست‌بوم موضوع اکولوژی راه است. زمانی راه در تعامل مسالمت‌آمیز با طبیعت شکل می‌گرفت. در صورتی که امروز به‌ویژه با توسعه فناوری شاهد

به منظرها به‌عنوان کلید رسیدن به فرهنگ است (خادمی و مهدوی مقدم، ۱۳۹۳، ۳۱). منظر مرکز حسی خاطرات جمعی و فردی ماست، منظر و خاطره جدایی ناپذیرند. مسیر و مقصد هردو می‌تواند زمینه فعالیت گردشگری را فراهم آورد. گاهی جوامع به بیراه رفته و با هدف تسهیل و تسریع سفر، فهم و مواجهه مسافر را با مسیر سفر از بین می‌برند. تسریع سفر به معنی حذف عامل زمان برای گردشگر فرهنگی است. تسهیل مسیر نیز به معنی حذف فرصت ادراک حسی مسافر در هنگام مواجهه با محیط پیرامون است. همین مسئله بر لزوم توجه بیشتر به پدیده راه تأکید می‌کند. قطعاً اندیشه تفکر مدرن به پدیده راه نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز گردشگری فرهنگی باشد. تفکر مدرن با تزریق نگرش مردود تعمیم مسیرهای عریض و سریع به راه، ذهنیت جوامع و مناظر فرهنگی را نابود می‌کند. راه یک پدیده فرهنگی و نیازمند توجه بیشتر است. راه ابزار ارتباط و بستر معرفی فرهنگ‌هاست. در این میان، منظر راهگشا است. منظر محصول تجربه گردشگر فرهنگی در فضا بوده و راه نیز به او فرصت تجربه می‌دهد. منظر در ذهن ناظر است. منظر خودشناسی و فهم ذهنی گردشگر است. مفهوم منظر راه نیز یک دیالکتیک زیربنایی برای تجربه گردشگری فرهنگی و رفتار جمعی تردد میان مبدأ و مقصد است (تصویر ۶). منظر راه این‌همانی ذهن گردشگر ناظر و بستر، با شرایط مرور خاطرات و خاطره‌سازی است. بدین ترتیب در مطالعه، برنامه‌ریزی و هرگونه سیاست‌گذاری راه، ملاک قراردادن رویکرد منظر نه تنها کمک‌کننده بلکه ضروری است (تصاویر ۷ و ۸).

نتیجه‌گیری

برای گردشگر فرهنگی فرایند گردشگری و شناخت، از مسیر، آغاز و به مقصد ختم می‌شود. چه بسا که پیمایش مسیر

یک «فضای وجودی» است که در تقابل با فضای فیزیکی و هندسی قرار می‌گیرد. این فضای وجودی زیسته بر مبنای خاطره و تجربه فردی، گروهی و اجتماعی ساخته می‌شود (شیرازی، ۱۳۸۹، ۵۳). منظر به‌عنوان نمودی ذهنی و شاعرانه در ذهن ناظر تلقی می‌شود و منظر را در اندیشه و ذهن بیننده جستجو می‌کند (ماهان و منصور، ۱۳۹۶، ۲۰). منظر دارای ماهیت مکانی و محصول تجربه انسان در فضا تعریف می‌شود (تصویر ۵). ضمن قیاس رویکردهای جزءنگر علوم فنی و مهندسی در خلق هندسه مستقیم‌الخط سریع و ایمن راه و رویکرد کل‌نگر منظر، در مطالعه راه به‌عنوان مصداق یک منظر فرهنگی می‌توان گفت: همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن را باید در بازتاب خصوصیات خاص هر منظر یافت. راه‌های پربینج و خم فرصتی برای کشف نحوه دستیابی به حس کامل همبستگی و الگوی منظر است که باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. در نقطه مقابل، راه‌های شطرنجی و هندسی، قابلیت پیش‌بینی دارند. ما می‌توانیم امتداد راه را ببینیم، در نتیجه هیچ معمایی وجود ندارد (بل، ۱۳۸۶، ۱۲۰). دنیای امروز با هدف توسعه زندگی ماشینی و تسریع حرکت، نابودی ذهن جمعی را نشانه رفته است. «جیمز کرنر» در کتاب «منظر در حال التیام» می‌گوید: باید استفاده از منظر را به مثابه رسانه و ابزاری استراتژیک در تغییر فرهنگی به رسمیت شناخت، شکلی از مقاومت در برابر یک‌رنگ‌سازی جهانی محیط با بازگشت به خاص بودن سایت، استفاده از منظر برای توجه‌دادن به بحث‌های محیطی؛ استفاده از منظر به مثابه رسانه‌ای برای گسترش پاسخ‌های ابتکاری به اثرات ناصنعتی‌شدن، استفاده از تفکر به مثابه راهی در شکل‌دادن به زیرساخت‌های کلان شهر مدرن (کرنر به نقل از پوردیهیمی، سیدکلان، ۱۳۹۱، ۲۴). انسان امروز نیازمند مواجهه و مکاشفه فرهنگ نهفته در ذهن خود است. انسان برای فهم خود نیازمند نگاه جست‌وجوگرانه



تصویر ۵. فرایند تفسیر مسیر برپایه ذهنیت مسافر و رویکرد منظر در تقویت مواجهه مستقیم با راه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. رویکرد منظر در پذیرش الگوهای طبیعی و تقویت خاطرات ذهنی مسافران. مأخذ: نگارندگان.

منظر راه، رویکردی کل نگر در مطالعه پدیده راه (توجه همزمان و پاسخ به ابعاد فیزیکی و بیولوژیکی راه)			
بعد بیولوژیکی راه (با دلالت بر زمینه‌های فنی راه) - کالبد راه		بعد بیولوژیکی راه (با دلالت بر زمینه‌های فرهنگی راه) - حیات‌پذیری	
مسیر	مواجهه مستقیم، حاوی پیام‌های حسی	اکولوژی راه	تداوم حیات گیاهی و جانوری، احترام به زیست‌بوم
اندام‌های راه	چرایی شکل‌گیری و منظر ملموس راه	زمینه انسانی	تاریخ، خاطرات فردی و جمعی، ویژگی‌های روانی و ذهنیت مسافران
اینه راه	خدمات، بهانه حضور، انسان‌ساخت و بستر رفتاری مسافران	کارکرد	فعالیت، میراث ناملموس راه
کالبد طبیعی	عناصر طبیعت و فرم زمین، حاوی پیام‌های حسی	اقتصاد و سیاست	مشارکت ساکنین و خاطره جمعی

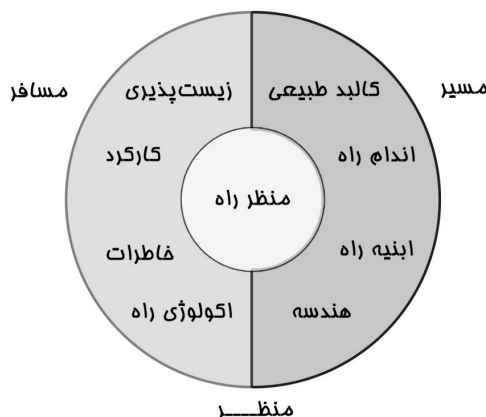
هندسه	پیچ و خم طبیعی، راز آلودگی، لمس و فهم بهتر مسیر	ادراک	مواجهه مسافر با مسیر راه و درک سفر
سرعت	کاهش سرعت، افزایش ارتباط با محیط و لذت از حرکت	زیست‌پذیری	کریدور حیات و تجربه
ایمنی	افزایش توجه به مسیر و ایمنی در حرکت	خاطرات	خودشناسی و تجربه گردشگری فرهنگی

منظر راه: این همانی مسافر و مسیر

تصویر ۷. منظر راه رویکردی کل نگر در مطالعه پدیده راه است و بر تمامی ابعاد ملموس و ناملموس راه، دلالت دارد. مأخذ: نگارندگان.

مسافر شود. با پذیرش ضرورت توجه همزمان به مسیر و مقصد به‌ویژه در گردشگری فرهنگی، پدیده راه نیز باید به‌عنوان یک هدف فضایی مورد توجه قرار گرفته و به پدیده فرهنگی بدل شود. برای تبدیل راه به یک پدیده فرهنگی با هدف تحقق گردشگری فرهنگی، رویکرد منظر مناسب و راهگشاست. منظر با رویکرد کل‌نگر، بر تقویت جنبه‌های ذهنی و ارزش‌های فرهنگی جوامع در تعامل با راه تأکید دارد. منظر راه با توجه همزمان به صورت فیزیکی و جنبه‌های بیولوژیکی راه زمینه ارتقاء کیفیت راه، صیانت از منظر سرزمینی و در نهایت تحقق گردشگری فرهنگی را فراهم می‌آورد.

به جهت تکمیل فرایند آمادگی ذهنی گردشگر برای مواجهه با مقصود حائز اهمیت بیشتر است. این شناخت مستلزم حداکثر ارتباط، احساس و ادراک کامل محیط است. راه از یکسو این بستر ارتباطی میان مسافر با محیط را شکل می‌دهد و از سوی دیگر زمینه ثبت خاطرات جمعی را فراهم می‌آورد. همین مسئله اهمیت توجه به پدیده راه را در برنامه‌ریزی و طراحی دوچندان می‌کند. این درحالی‌ست که مبانی مدرن با تکیه بر علوم مهندسی و نگاهی تک‌بعدی، به‌دنبال افزایش هرچه بیشتر سرعت، ایمنی، تا حدودی زیبایی بصری و توزیع خدمات ضروری است؛ تا بتواند موجب تسریع و تسهیل حرکت



تصویر ۸. مطالعه پدیده راه با رویکرد منظر به‌عنوان یکی از عوامل تحقق گردشگری فرهنگ تنها زمانی قابل استناد است که همزمان به تمامی ابعاد کالبدی (ارجاع به مسیر) و معنایی (ارجاع به مسافر) آن توجه شود. مأخذ: نگارندگان.

فهرست منابع

- اسپیرن، آن ویستون. (۱۳۸۴). *زبان منظر*. (ترجمه سید حسین بحرینی و بهناز امین‌زاده). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- استادی، مریم. (۱۳۹۳). *ادراک و تصویر ذهنی و کاربرد آن در طراحی شهری* (رساله دکتری منتشر نشده با بازخوانی آرای فلاسفه ایرانی-اسلامی، به راهنمایی آقای دکتر محمد نقی‌زاده). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.
- بهجت تبریزی، محمد حسین. (۱۳۹۴). *دیوان شهریار*. تهران: نگاه آشنا.
- پالاسما، یوهانی. (۱۳۸۸). *چشمان پوست: معماری و ادراکات حسی* (ترجمه رامین قدس). تهران: گنج هنر.
- بل، سایمون. (۱۳۸۶). *منظر: الگو، ادراک و فرایند* (ترجمه بهناز امین‌زاده). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). *پدیدارشناسی مکان*. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- پوردیهیمی، شهرام و سیدکلان، ساسان. (۱۳۹۱). *فضای منظر: پیوندگاه فرهنگ و طبیعت. مسکن و محیط روستا*، ۳۱(۳۸)، ۱۷-۲۸.
- خادمی، شهرزاد و مهدوی مقدم، مزده سادات. (۱۳۹۳). *مفهوم منظر فرهنگی*. *منظر*، ۳۰(۲۸)، ۳۵-۳۰.
- رحمدل، سمانه. (۱۳۹۵). *منظر راه در جغرافیای تاریخی ایران: نگاهی به کتاب راه و رباط با رویکرد منظرین*. *منظر*، ۳۸(۳۶)، ۵۲-۵۷.
- رحیمی، آرتا. (۱۳۹۲). *مجموعه اشعار مرحوم حسین پناهی*. تهران: کتاب سبز.
- زومتور، پیتر. (۱۳۹۴). *رهیافت پدیدارشناسی در اندیشه پیتر زومتور* (ترجمه مرتضی نیک‌فطرت، سیده صدیقه میرگذار لنگرودی). تهران: انتشارات علم معمار.
- شاهچراغی، آزاده و بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۴). *محاط در محیط: کاربرد*

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

غلامپور، سعید و منصور، سیدامیر و شاهچراغی، آزاده. (۱۴۰۰) *رویکرد منظر در تحقق گردشگری فرهنگ با عاملیت پدیده فرهنگی راه*. گردشگری فرهنگ، ۲(۵)، ۲۸-۲۱.



DOI: 10.22034/toc.2021.261857.1034

URL: http://www.toc-sj.com/article_134108.html